

سبک شناسی مفسران

در اسباب نزول

قرآن، به عنوان مهمترین منبع شناخت معارف و احکام دین، همواره مورد توجه دانشمندان اسلامی بوده است.

در راستای همین دقت و اهتمام و در پی این تأملها و کندوکاوها، گنجینه‌های ارزنده‌ای تحت عنوان تفاسیر قرآن، شکل گرفته است.

تنوع این تفاسیرها در بسیاری از موارد پیامد تفاوت سبک و روش مفسران در تجزیه و تحلیل مسائل، یا ارزشگذاری منابع و مدارکی است که در شناخت معارف قرآن به کار گرفته‌اند.

شناخت سبک و روش هریک از مفسران در تفسیر قرآن، کلید گرانبایی است که محققان را در کار تحقیق و داوری و ارزشگذاری آرای مفسران یاری می‌دهد.

یکی از امور مهم و اساسی در تفسیر، روایات است، چه این که بخش عظیمی از کار تفسیر متکی به روایاتی است که به گونه‌ای درصدد تبیین معنا یا مصداق و یا سبب نزول آیه‌ای از آیات قرآن می‌باشد، ولی از آن جا که در میان این روایات، صحیح و سقیم، معتبر و ضعیف، تحریف شده و تحریف نشده وجود دارد، ممکن است مفسری بدون هیچ نوع ملاک و معیاری از این روایات استفاده کند و مفسر دیگری برای انتخاب احادیث و جدا ساختن نقلهای معتبر از ضعیف و غیر معتبر و تحریف شده از تحریف نشده ملاکهای را در نظر بگیرد و تنها روایاتی را که واجد شرایط اعتبار باشد، در تفسیر قرآن دخالت دهد.

کیفیت استفاده از روایات و معیارهای گزینش روایات به ضمیمه ذوق، استعداد و قدرت علمی محقق، چیزهایی است که سبک و روش هر مفسر را مشخص می‌سازد، با این ویژگی که گاه مفسر به اصل معیارها و مبانی علمی خود اشاره کرده است و گاهی بدون تصریح به مبانی و روش، راهی را پیموده‌است که در این صورت، ناگزیر به آمارگیر و بررسی نمونه‌ها و مقایسه آنها هستیم تا در پرتو آن نمونه‌ها و آمارها، سبک مفسر را شناسایی کنیم.

شایان یاد است که سبکها و روشهای تفسیر مفسران را ما خود باید تحقق و شناسایی کنیم، زیرا کمتر موردی را می‌یابیم که مفسر بصراحت، شیوه تحقیقی و تفسیری خود را توضیح داده باشد و این بدان جهت است که اصولاً مسأله سبک شناسی و اهمیت آن در کار تحقیق و پژوهش، نزد پیشینیان چندان مطرح

نبوده‌است. با آن که هریک سبک مخصوصی داشته‌اند و از سبک خود دفاع نیز می‌کرده‌اند، اما به مقایسه سبکها اهمیاتی نداشته‌اند.

پیشینه سبک شناسی

هرچند سبک شناسی (متدلوژی) به عنوان یک علم مستقل، دانشی نوپاست و عمری کمتر از نیم قرن دارد، با این حال در زمینه سبک شناسی مفسران، آثار گرانمایی تألیف شده است که نتیجه آن تلاشهای علمی، بازشناسی و معرفی و دسته بندی تفسیرهاست، تحت عناوین: تفسیرهای ادبی، علمی، عرفانی، فلسفی، اجتماعی، فقهی، بلاغی و... و نیز تفسیرهای عقلی و نقلی و یا تفسیرهای موضوعی و ترتیبی. این نوع کتابها را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱. کتابهایی که به بررسی و تحلیل سبکهای مختلف تفسیری پرداخته و نمونه‌هایی از تفسیرهای گوناگون آورده‌اند.

۲. کتابهایی که تنها به تجزیه و تحلیل روش تفسیر یک مفسر همت گماشته‌اند.

کاری که در این تحقیق دنبال می‌کنیم هرچند در اصل سبک شناسی با کتابهای یاد شده همگون است، ولی از نظر موضوع، کاری است بدیع و بدون پیشینه، زیرا تاکنون کتابی در زمینه سبک شناسی مفسران در اسباب نزول، تدوین نشده است و یا دست کم، بر آن وقوف نیافته‌ایم و اگر اصل موضوع در جایی مطرح شده‌است، به گونه‌ای گذرا بوده و محقق بر آن اصرار نورزیده‌است.

موضوعی که مادر کار سبک شناسی مورد بررسی قرار داده‌ایم، «سبک شناسی مفسران در اسباب نزول» است. برآنیم که بدانیم هر مفسر تا چه اندازه به اسباب نزول اهمیت داده‌است، به چه نقلها و روایاتی در این زمینه اعتماد دارد و به چه نقلهایی اعتنا نمی‌کند، تا چه اندازه روایات اسباب نزول را در تفسیر قرآن مفید و مؤثر می‌داند.

این که می‌گوییم موضوع این پژوهش بکر و بدیع است، بدان مفهوم نیست که مسأله اسباب نزول برای پیشینیان مطرح نبوده‌است، بلکه هم سبک شناسی به مفهوم عام و هم اسباب نزول از زوایای دیگر مورد توجه محققان و اندیشمندان بوده‌است، ولی سبک شناسی مفسران در خصوص اسباب نزول بحثی است که دیگران به صورت مفصل و مبسوط و مستقل به آن نپرداخته‌اند.

علامه طباطبایی شاید تنها کسی باشد که به این موضوع توجه کرده و به صورت مستقیم از سبک مفسر در اسباب نزول سخن گفته است، ولی این بحث علامه از چند سطر تجاوز نمی‌کند که اینک عین گفتار علامه را تحت عنوان: «روشی که باید در اسباب نزول معمول داشت»، می‌آوریم:

«چنانکه در فصلهای گذشته روشن شده، حدیث در اعتبار خود به قرآن مجید نیازمند است. روی این اساس،

چنانکه در اخبار بسیاری از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام وارد شده است، باید حدیث را به قرآن

عرضه داشت. بنابراین، سبب نزولی که در ذیل آیه‌ای وارد شده است، در صورتی که متواتر یا خبر قطعی

الصدور نباشد باید به آیه مورد بحث عرضه و تنها در صورتی که مضمون آیه وقرآنی که در اطراف آیه موجود است، با آن سازگار بود، به سبب نزول نامبرده اعتماد می‌شود.

و سرانجام روایت را باید با آیه تأیید نمود و تصدیق کرد، نه این که آیه را تحت حکومت روایت قرار داد.»

محدودیت‌های تحقیق

بحث از موضوع «سبک مفسران در اسباب نزول» با محدودیت‌هایی همراه است:

۱. روش شناسی متون و منابع دینی، کاری نوپاست، تجربه‌هایی که میزان و الگوی تحقیق قرار گیرد در دسترس نیست.
۲. چون موضوع، پیشینه تحقیقی ندارد، به همین سبب منابعی در این زمینه موجود نیست. بنابراین، نخستین گام‌های بلند و محکم باید از سوی خود پژوهشگر برداشته و به فرجام رسانده شود. طبیعی است نخستین تلاشها، جامعترین تلاشها نمی‌تواند باشد.
۳. اصول و چارچوبی که در سنجش صحت و سقم روایات و احادیث وارده از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام به کار گرفته می‌شود، در ارزیابی روایات تفسیری، از جمله روایات اسباب نزول، کاربرد کافی ندارد، زیرا روایات و احادیث در غیر تفسیر و اسباب نزول، آن گاه به عنوان حدیث و سنت مورد پذیرش است که مستند به معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام باشد، ولی در روایات تفسیری و اسباب نزول، این اصطلاح دایره وسیعتری پیدا می‌کند و شامل نقلهای رسیده از اصحاب و تابعان نیز می‌گردد، چه این که بیشتر روایات اسباب نزول از افرادی چون ابن عباس، قتاده، مجاهد، ابن مسعود و... است. از این روی، اگر پژوهشگر در روش یک مفسر، قضاوت کند که این مفسر به نقل روایات صحیح، پایبند بوده و از نقل روایات ضعف پرهیز داشته است، باید پیش از آن ملاک و معیای داشته باشد که روایات مستند به اصحاب و تابعان، جزء روایات و نقلهای معتبر است و حکم روایت مرفوع را دارد یا این که این دسته از روایات در حکم روایات و نقلهای ضعیف است.

تفسیرهای مورد تحقیق

از میان صدها جلد تفسیری که در باره قرآن نوشته شده است، در بحث سبک شناسی اسباب نزول، دوازده تفسیر را برگزیده‌ایم. این تفسیرها عبارتند از:

۱. طبری، محمد بن جریر: جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ۱۵مجلد، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۸هـ.ق.
۲. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی نیشابوری: روض الجنان و روح الجنان، تصحیح ابوالحسن شعرانی، ۶مجلد، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۵۲هـ.ق.
۳. زمخشری، جارالله محمود بن عمر: الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۴مجلد، نشر ادب حوزه، قم، ۱۳۶۳.

۴. طبرسی، فضل بن حسن: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح سیدهاشم محلاتی، ۵ مجلد، مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران.
۵. رازی، محمد بن عمر: التفسیر الکبیر، ۱۶ مجلد، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، چاپ سوم، قم، ۱۳۶۳ هـ.ق.
۶. ابن کثیر، اسماعیل قرشی: تفسیر القرآن العظیم.
۷. آلوسی، ابوالفضل شهاب الدین محمود: روح المعانی، ۱۵ مجلد، چاپ چهارم، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵، هـ.ق.
۸. رشید رضا، محمد: تفسیر القرآن الحکیم، ۱۲ مجلد، دارالمعرفه، بیروت، (بی تا).
۹. قطب، سید: فی ظلال القرآن، ۸ مجلد، چاپ پنجم، دارالحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۸۶ هـ.ق.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین: المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ مجلد، چاپ دوم، اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۰ هـ.ق.
۱۱. صادقی، محمد: الفرقان فی تفسیر القرآن، ۲۲ مجلد، فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، تهران، ۱۴۰۶ هـ.ق.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر: تفسیر نمونه، ۲۷ مجلد، چاپ اول، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

سبب گزینش تفسرهای دوازده گانه

علت انتخاب تفسیرهای یادشده در این پژوهش، نکاتی است که می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱. بررسی تمامی تفسیرها و به دست آوردن سبک آن مفسران در ضمن یک مقاله نه کار مقدور است و نه لازم، زیرا فراوانی تفسیرها از یک سوی کار دشوار می‌کند، از سوی دیگر بسیاری از تفسیرها، سبک و روش خود را از پیشینیان گرفته‌اند و روش جدیدی اتخاذ نکرده‌اند. بررسی این دوازده تفسیر می‌تواند نمای کلی سبکهای عمده مفسران در اسباب نزول را در اختیار محققان قرار دهد.
۲. تفسیرهای یاد شده جامعترین تفسیرهای شیعی و اهل سنت و کهنترین آنهاست و هر یک در اوج یکی از سبکهای تفسیری: نقلی، عقلی، اجتماعی، فلسفی، تحلیلی و ... قرار دارد که با شناخت آنها نیازی به بررسی تفسیرهای دیگر نیست.

علت تفاوت سبک مفسران در اسباب نزول

در سبب تفاوت روش مفسران در اسباب نزول، غیر از ویژگیهای جزئی و موردی تفسیرها می‌توان از اموری به عنوان عوامل اساسی و اصولی تفاوت سبکهای مفسران یاد کرد.

۱. **نقل گرایی یا عقل گرایی مفسر:** اگر مفسری مقید به نقل روایات تفسیری باشد، طبیعی است که همه روایات اسباب نزول را نقل می‌کند و در تفسیر آیات قرآن از آنها بهره می‌جوید، ولی اگر مفسری عقل‌گرا

باشد، در نقل روایات تفسیری از جمله روایات سبب نزول، جانب احتیاط را می‌گیرد و کمتر از روایات استفاده می‌کند. این دو نوع گرایش، باعث پدید آمدن دو نوع روش در اسباب نزول می‌گردد.

۲. **جهت گیری کلی تفسیر:** تفسیرهایی که مشرب کلامی، عرفانی، فلسفی، اجتماعی و ... دارند کمتر از روایات اسباب نزول، اثر می‌پذیرند. برخلاف تفسیرهایی که جنبه تاریخی، فقهی، و نقلی آنها بیشتر است، زیرا که جولانگاه اسباب نزول، تاریخ، غزوه‌ها، وقایع، حوادث و پرسشهایی مربوط به احکام و فقه است.

۳. **اهتمام به بیان موضوعی خاص و یا تبیین هرچه بیشتر مطالب مرتبط به قرآن:** برخی از مفسران درصدد پیگیری هدف مشخص و معین هستند و از بیان آنچه در راستای هدف آنان قرار نمی‌گیرد اجتناب می‌ورزند، ولی گروهی دیگر به تبیین تمامی زاویا و ابعاد معارف قرآن می‌پردازند و از هر چیزی که به نوعی مرتبط به تفسیر باشد، سخن می‌گویند. این دسته دوم بدیهی است که به اسباب نزول توجه جدی دارند و حال آن که دسته اول چنین نیستند.

۴. **میزان اعتنا به قول صحابه و تابعان:** از میان مفسران، آنان که در اعتبار روایت نقل از معصوم را ضروری نمی‌دانند و در روایات تفسیری و اسباب نزول برای قول صحابه و تابعان ارزش حدیث مرفوع را قائلند، شمار بیشتری از اسباب نزول را نقل می‌کنند و در مفهوم آیات دخالت می‌دهند، ولی آنان که شرط صحّت خبر را نقل از معصوم (پیامبر یا ائمه علیهم‌السلام) می‌دانند روایات کمتری از اسباب نزول را می‌آورند و چنانچه روایتی را نقل کنند، ترتیب اثر جدی نمی‌دهند.

اهمیت این اصل، زمانی روشن می‌شود که بدانیم هشتاد درصد روایات اسباب نزول، قول صحابه و یا تابعان است، نه نقل و روایت مستند به معصوم.

۵. **حساسیت مفسر در سند روایات:** گروهی از مفسران، به سند روایات تفسیری و اسباب نزول، کمتر توجه می‌کنند. این دسته اگر مانعی همچون حجم تفسیر، جهت گیری تفسیر و عقل گرایی و یا نقل گرایی تفسیر و یا... وجود نداشته باشد، روایات تفسیری بیشتری را نقل می‌کنند تا آن مفسرانی که بر روی یکایک افراد سلسله سند روایات، انگشت می‌گذارند.

۶. **عمومیت نص و خصوصیت سبب:** بیشتر مفسران براین باورند که مورد و سبب نزول مخصّص نیست، چنانکه در علم اصول نیز بیشتر اصولیان براین اعتقادند. با چنین برداشتی، مفسر خود را ملزم به نقل اسباب نزول نمی‌داند، چه این که آیه و آیات و سوره‌های دارای شأن نزول، بدون ذکر واقعه، پرسش و... که موجب نزول آن آیه و سوره گردیده است، نیز معنا و مفهوم خودش را دارد.

اما اگر مفسری معتقد باشد که مورد مخصّص است، نمی‌تواند سبب نزول را نادیده بگیرد، زیرا بدون نزول آیه معنی و پیامی ندارد. در این صورت باید سبب نزول را نقل کند و در پرتو آن، آیه و سوره را تفسیر و تبیین کند.